

بررسی مقامات ابوالقاسم حریری

دکتر فیروز حریرچی

استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

و حسن مجیدی

(از ص ۴۵ تا ۶۴)

چکیده:

در ادبیات عرب، مقامات به نوشته‌هایی با نثر مسجوع و متصنع اطلاق می‌گردد که نویسنده در ضمن بیان داستان‌هایی که معمولاً پیرامون کُذیه و گدایی است، سعی دارد قدرت هنری و ادبی خود را نیز به نمایش بگذارد. سابقه نگارش این‌گونه داستان‌ها که دارای یک قهرمان و راوی خیالی است به بدیع‌الزمان همدانی (۳۹۸ - ۳۵۸ ه.ق.) بر می‌گردد و ادامه و پرورش آن، توسط ابوالقاسم حریری - که بر پیش‌کسوت خود، سبقت جست - صورت گرفت. البته نگارش مقامات به حریری ختم نشد بلکه وی باعث شد مقلدان زیادی به تقلید از او مقامه بنگارند و شارحان و حافظان کثیری، اثر او را شرح و حفظ نمایند. در این مقاله به تعریف مقامه، سابقه و علت مقامه‌نگاری، معرفی حریری و اثر او پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: فن مقامه‌نگاری، سابقه مقامه‌نگاری، مقامه‌نگاران،

حریری، مقامات حریری.

مقدمه:

کتاب «مقامات حریری» از کتب مشهوری است که داستان اعمال و فعالیت‌های دو شخصیت خیالی به نام‌های «حارث بن همّام» و «ابوزید سروجی» را توصیف می‌کند.

واژه‌ی مقامه در «لغت» به معنی مجلس و جماعت حاضر در مجلس، و نیز سخنرانی است و از قیام سخنور در میان جمع، گرفته شده است و در «اصطلاح» ادبی، نوع خاصی از داستان‌های کوتاه با نثر مسجع است که برای نخستین بار در قرن چهارم هجری قمری به ابتکار بدیع الزمان همدانی در ادبیات عربی پدیدار شد. اما معروف‌ترین مقامه‌نویس عرب، حریری است که مقاماتش به عنوان متن درسی قرار گرفت و شرح‌ها و حاشیه‌ها بر آن نوشته شد.

مقامات حریری، مشتمل بر پنجاه مقامه است که بین سال‌های ۴۹۵ تا ۵۰۴ ه.ق. به زبان عربی نوشته شده است. هرچند انتظار نمی‌رفت این کتاب بتواند محبوبیت همگانی کلّیه و دمنه را به دست آورد، اما به جهت داشتن اسلوب ویژه و اطلاعات بسیار، بی‌درنگ پس از اتمام نگارش آن در قرن ششم هجری، به عنوان نمونه فصاحت و رسایی، شهرت و سیعی یافت.

اما در مورد اینکه مقامات حریری، حاوی چه نکاتی است، خود حریری در دیباچه مقاماتش می‌نویسد: پنجاه مقامه، مشتمل بر گفتارهای استوار، سخن‌های هزل‌گونه، الفاظ گوش‌نواز و دلپذیر، واژگان درخشان و لطیفه‌های نمکین و بی‌مانند پرداخته‌ام و آن را با آیات و نیکوترین کنایات، آراستم و گوهرهایی از امثال عرب، لطایف ادب، لغزهای دستوری، احکام لغوی، نامه‌های بدیع و خطبه‌های شگفتی آفرین، پندهای گریه‌آور و شوخی‌های سرگرم‌کننده بر آن نشاندم و همه را بر زبان ابوزید سروجی جاری کردم و روایت آن را به حارث بن همّام بصری نسبت دادم. (حریری، مقامات، ص ۴)

در مقامه نخست، حارث بن همّام - راوی مقامه‌ها - با ابوزید آشنا می‌شود و

معارفه‌ای بین آنها صورت می‌گیرد. و در مقامه‌های بعدی ابوزید با حیل‌های تازه و چهره‌های گوناگون در شهرهای مختلف ظاهر می‌شود و شگفت آنکه هر بار نیز حارث سرانجام او را باز می‌شناسد.

چهل و هشت مقامه‌ی نخستین، شرح ماجراهای ابوزید و شیوه‌های ترفندش در تکدی و مال‌اندوزی است. مقامه‌ی چهل و نهم، تصویری است از اواخر عمر ابوزید و وصایای او به فرزندش که جز تکدی پیشه‌ای برنگزیند و شیوه‌های او را بیاموزد. سرانجام در آخرین مقامه، ابوزید نادم از کرده‌های گذشته به سوی خدا باز می‌گردد، پشمینه می‌پوشد و خلوت می‌گزیند و به عبادت و ذکر و نماز می‌پردازد. حارث، او را در این حال می‌یابد، روز و شبی را با وی می‌گذارند و سپس او را به حال خود، رها می‌کند و بدینگونه کتاب مقامات به پایان می‌گذارد. در این نوشته به هدف آشنایی با حریری و شاهکار ادبی او که در حوزه‌ی آموزش لغت و مسایل بلاغی و نشاننگاری حایز اهمیت است، به معرفی وی و اثرش پرداخته شده است و منظور ما از عنوان مقامات حریری، بررسی پیدایش فنّ مقامه‌نگاری، مقامه‌نگاران، اسلوب نگارش و شناخت میزان اهمیت و ارزش ادبی آن است.

شایان ذکر است که قبلاً نیز نویسندگانی چون صلاح‌الدین صفدی (۱۳۶۲-۱۲۹۶م)، ابن خلکان (۱۲۸۲-۱۲۱۱م)، یاقوت حموی (۱۲۳۹-۱۱۷۹م)، عماد اصفهان (۱۳۰۰-۱۱۲۵م)، و لویس شیخو (۱۹۲۷-۱۸۵۹م) هرکدام، مقامات حریری را از زاویه خاصی، بررسی نموده‌اند اما تحقیق جامعی پیرامون این کتاب ارزشمند، صورت نگرفته است.

حریری کیست ؟

او ابو محمد قاسم بن علی بن محمد بن عثمان الحریری البصری الحرامی، صاحب اثر ماندگار مقامات است که سال «۴۴۶ هـ.ق. = ۱۰۵۴ م.» (عماد اصفهان، ۱۴۳۲)، در روستای (المشان) از توابع بصره و در روزگار خلافت «المسترشد» و در خانواده‌ای عرب، متولد شد. (حموی، ۳۹۳)

پس از آنکه دوران کودکی حریری در زادگاهش سپری شد، در آغاز جوانی به بصره رفت و در محله‌ی «بنی حرام» سکونت گزید و به فراگیری نحو و لغت، مشغول شد. حریری با ابوالحسن بن فضال مجاشعی، ارتباط برقرار کرد و دروس عربی را نزد وی و فقه را نزد ابواسحاق شیرازی (http://www.adabwafan.com/browse/category.asp?id=1000210) و حدیث را از دیگر حافظان و محدثان آموخت. تا اینکه در دانستن لغت و ادب، تسلط بر علم بلاغت و اطلاع به واژگان زیاد، مشهور شد. او از نحویان مدرسه بصره و از نویسندگان مقلد آن و یکی از ادبای آغاز عصر انحطاط ادبی ادبیات عرب (معلوف، ۱۳۳۲) به شمار می‌آید. حریری بسیار باهوش و فهیم و در حفظ و سرعت بدبیه‌گویی، شخصی خارق‌العاده بود.

وقتی حریری به شغل‌های حکومتی وارد شد، توسط خلیفه «المستظهر» به سمت نگارش مقامات، هدایت شد و به بهترین نحو از او تقدیر به عمل آمد. و پس از مرگ خلیفه نیز، در دیوان خلافت، منصب صاحب‌خبری داشت؛ منصبی که موروثی شد (الصفدی، ۱۸۴۲۲) چرا که بعد از پدر، فرزندان او یعنی زین‌الاسلام، ابوالعباس و محمد نیز این منصب را ادامه دادند.

حریری در کنار علم زیادش به فنون عربی، شخصی توانگر نیز بود و در روستای (المشان) نخلستانی بزرگ با هیجده هزار درخت خرما داشت. (الیافعی، ۱۳۶۶)

حریری همیشه در بصره مورد احترام علما بود و نگارش مقامات، منزلت و جایگاهش را ارتقاء داد تا اینکه پس از هفتاد سال زندگی در شهر المذار - که بین آن و بصره چهار روز فاصله است - و در شش رجب سال ۵۱۶ هـ ق = ۱۱۱۲ م. (عماد اصفهانی، ۱۳۳۲) وفات نمود.

معنای لغوی مقامه؛

کلمه‌ی «مقامه» از ریشه‌ی «قَامَ یَقُومُ قَوْماً و قَوْمَهُ و قِیَاماً و قَامَةً» چندین معنا دارد

که در کتاب‌های فرهنگ لغت به معنای مجلس و مکان اجتماع آمده است. (فیروزآبادی

ج / ص ، ابن منظور ج / ص ، فراهیدی ج / ص)

مقامه در ابتدا [یعنی عصر جاهلی] به معنای مکان و مجلس بود، [در عصر اسلامی نیز همین مفهوم را داشت] آنگاه [در قبل از قرن چهارم] به «قیام خطیب در مقابل بزرگان» معنا یافت. اما در ادامه، دایره معنایی آن به «سخنرانی در مقابل شخصی بزرگ» توسعه یافت و نهایتاً بر موعظه و نصیحت، اطلاق گردید. البته این معنای مثبت، ثابت نماند و پس از چرخشی، مفهوم سؤال متکذیان - که با نثری مسجوع ادا می‌شد - به خود گرفت. (بیهقی، ص ۲۸۶)

اطلاق لفظ «مقامه» بر استغاثه متکذیان مصادف شد با اواخر قرن چهارم؛ یعنی، عصری که میل به تکلف در لفظ‌پردازی و استفاده از صنایع ادبی و مسجوع، شدت یافت. بنابراین برای نویسندگان که به دنبال سوژه می‌گشتند، موقعیت کاملاً مساعد شد تا در این جولانگاه، هنرنمایی خود را به اوج برسانند. و اینگونه بود که مقامه در قرن چهارم هجری به عنوان فنّ خاصی در نثر عربی استفاده شد و با داستان‌نویسی و افسانه‌پردازی همراه گشت.

در پایان مبحث بررسی لغوی مقامه اشاره می‌کنیم که این لغت در قرآن نیز آمده است و در یکجا، معنای «مجلس» و در جای دیگر، معنای «مکان ماندن» دارد: (أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَاماً وَأَحْسَنُ نَدِيّاً) (مریم، آیه ۷۴)، (الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ). (فاطر، آیه ۳۲)

تعریف اصطلاحی مقامه و توضیح آن؛

مقاماتی که ما در صدد آن می‌باشیم به معنی روایات و افسانه‌هایی است که کسی آن را گرد آورده و به عباراتی مسجع و مقفی و آهنگ‌دار برای جمعی فرو خواند یا بنویسد و دیگر، آن را بر سرانجمن‌ها یا در مجالس خاص بخوانند و از آهنگ کلمات و اسجاع آن که به سجع طبر و تغرید کبوتران و قمریان، شبیه است،

لذت و نشاط یابند. (بهار، ۳۲۴)

[مقامات] دارای اسجاع لطیف و الحان زیبا و عبارات مقبول و شعریات بوده و مقامه‌نویسان عرب هم از این معانی استفاده کرده و این نام را بر قصص موضوعه خویش نهاده‌اند زیرا آن را در مجالس و محافل می‌خوانده‌اند و مردم از آن لذت می‌گرفته‌اند. (همانجا)

معرفی کتاب مقامات حریری؛

مقامات حریری که در نوع خود، هیچ کتابی به منزلت آن نمی‌رسد، اثری خوش عبارت و دارای نکات ادبی است که به هدف جمع‌آوری الفاظ زیبا و لغات مشکل و سخنان منظوم و منثور نادر، نگاشته شده است و به‌طور کلی، پیرامون کسب مال از طریق حيله و نیرنگ، توسط قهرمان داستان‌ها؛ یعنی، ابوزید است. و هر مقامه با اسلوب فقهی حاکم بر آن زمان، مثل «حدیثی یا حدیثا عیسی بن هشام...» یا «رؤی الحارث بن همام» آغاز می‌گردد.

اگرچه بین پنجاه مقامه حریری، وابستگی معنایی وجود ندارد و آنها ادامه یکدیگر نیستند، اما حریری به‌گونه‌ای داستان‌هایش را کنار یکدیگر چیده است که یک داستان کلی از تمام کتاب با مقدمه و مؤخره استخراج گردد. چنانکه می‌بینیم اثرش را با آشنایی راوی و قهرمان تمام حکایت‌ها در بصره آغاز می‌کند و شرح آن را در قالب مقامه «صنعانیه» می‌ریزد و آن را اولین مقامه خود قرار می‌دهد و در ادامه به ذکر داستان‌هایی از قهرمانان در جاهای مختلف می‌پردازد و نهایتاً داستان توبه و ندامت ابوزید را توصیف می‌کند.

موضوع اصلی مقامات حریری؛

چون در عصر حریری، گدایی، مرسوم و شایع بود تا حدی که برخی از قصه‌سرایان دون‌مایه نیز در مساجد و اماکن عمومی پس از پایان گفته‌های خود از

شنوندگان حاضر در مجلس، گدایی می نمودند؛ صاحب مقامات این مبحث را برای عرصه هنرنمایی خود، انتخاب نمود. موضوع اصلی مقامه‌ها ماجراهای چرب‌زبانی‌ها و مال‌اندوزی‌های گدایی شیاد به نام ابوزید است که سعی دارد با سخنان گرم خود که با اشعار و آهنگ‌های کلامی همراه است، مردم را فریفته و از آنها گدایی نماید. در اولین نگاه به نظر می‌آید که این اثر، صفت پست‌گدایی و پول‌پرستی را به خواننده القا می‌کند اما در واقع، نویسنده، خواسته است گذشته از آشکار ساختن عاقبت بد مادیگرایی، مخاطب خود را از روی دلسوزی با حيله‌های شیادان پیرامونش آگاه سازد. با این حال، پیام اخلاقی، هدف اصلی او نیست، بلکه آنچه در اولویت قرار دارد تمرین انشانگاری، آموزش فصاحت و بلاغت و تکیه بر لفظ و لغت است. ولی موضوعات دیگری چون وعظ، نصیحت، تشویق به نیکوکاری و پرهیز از دنیاپرستی نیز در خلال چندین مقامه از جمله مقامه‌های اول، دوم، سوم، یازدهم، دوازدهم، بیست و یکم و بیست و پنجم و... دیده می‌شود؛ مثلاً، مقامه‌های القطیعیة، البغدادیة، الواسطیة و سی‌ام شکل فکاهی، و مقامه‌ی الرجیبیة شکل، مقامه‌ی القطیعیة شکل نحوی و مقامه‌های الفرضیة و الطیبیة شکل فقهی و مقامه‌ی الصنغانیة شکل دینی و اخلاقی دارد. پرداختن به موضوعات مختلف، نشان از تبخّر حریری در علوم مختلفی است که تحت الشعاع بازی‌های لفظی، واقع شده است: «أَيُّهَا السَّادِرُ فِي غُلُوَاتِهِ، السَّادِلُ ثَوْبَ خَيْلَانِيهِ، الْجَامِعُ فِي جَهَالَاتِهِ، الْجَانِحُ إِلَى خُرْزِيلَاتِهِ إِلَّا مَ تَسْتَمِرُّ عَلَى عَيْبِكَ وَ تَسْتَمِرُّ مَرَعَى بَغِيكَ وَ حَتَّامُ تَنَاهِي فِي زَهْوِكَ وَلَا تَنْتَهِي عَنْ لَهْوِكَ». (حریری، مقامات، ۷)

از پنجاه مقامه حریری، شش تا ادبی و ۱۱ مقامه در زهد و ۱۵ تای آن در موضوع فکاهه است و به طور کلی، موضوع مقامات، ادبی، فلسفی، تمثیلی، وصفی، مذهبی، فکاهی و یا پرداختن به مسایل علمی است.

چگونگی و علت نگارش مقامات حریری؟

حریری علت نگارش مقامات را اینگونه شرح می‌دهد: ابوزید سروجی، پیری گدایشه، سخندان، زبان‌آور و ادیب بود. روزی به مسجد محله «بنی حرام» که بزرگان و فاضلان در آن جمع بودند، آمد و سؤال کرد و قصه‌ای پرماجرا و مصیبت درباره خود پرداخت و چندان هنرمندانه سخن می‌گفت و مقصود را زیبا و رسا ادا می‌کرد که مرا به شگفتی واداشت. شامگاهان که با برخی از یاران ادیب بودم، قصه‌ی ابوزید و فصاحت و بلاغتش را برایشان حکایت کردم. آنان او را می‌شناختند و هر یک از او قصه‌ای شنیده بودند. من آنچه را که از ابوزید در مسجد بنی حرام شنیدم به شیوه مقامه، نوشته و آن را «المقامة الحرامیة» نامیدم و سپس بر همان شیوه، داستان‌هایی ساختم و مقامه‌های دیگری نوشتم. (حموی، ۳۹۳۵) این مقامه که در کتاب مقامات، مقامه ۴۸ است، نخستین مقامه‌ای است که نوشته شده است.

سخنان آغازین حریری در مقدمه مقاماتش نشان از این دارد که او کتاب خود را در معارضه با همدانی و به تشویق صاحب فضلی نگاشته است و در عین حال چنانکه خود گفته است سودمند بودن آن را نیز مد نظر داشته؛ «و ما قصدت بالاحماض إلاّ تنشيط قارئيه و تكثير سواد طالبيه.» (حریری، مقامات، ۳۱) چرا که او سعی نموده است اثرش را همسنگ دیگر آثار آموزنده چون کلیله و دمنه قرار دهد: «و من نقد الأشياء بعين المفقول.. أنعم النظر في مباني الأصول. نظم هذه المقامات. في سلك الافادات. و سلكها مسلك الموضوعات. عن القجماوات و الجمادات. (مدان، ۶) اهمیت مقامات؛

نمی‌توان مقامات را به عنوان یک قصه، بررسی کرد و از این حیث به آن، ارزش داد اما از این جهت که از دامنه لغت زیادی برخوردار است و منبعی غنی در حوزه انسان‌نگاری و بلاغت به شمار می‌آید، درخور توجه است. علاوه بر این، اشعار و

۱. منظور از احماض در اینجا، از مطلبی به مطلب دیگر منتقل شدن است. سواد: اشخاص.

نادره‌پردازی‌های فصیح و بلیغی که از زبان نهرمان داستان روایت شده است، آن را همچون یک گنجینه ادبی (ملوف، ص ۲۳۳) ارزشمند ساخته و به همین جهت، مدّت‌ها در مدارس تدریس می‌شده است و اهل ادب با حفظ آن، سعی داشته‌اند انشا و دروس بلاغی خود را تقویت نمایند.

در زمینه مسایل عمومی و اجتماعی نیز، مقامات، گذشته از اینکه همچون کلیله و دمنه به تهذیب و تزکیه عقل پرداخته، توانسته است با بیان داستان‌هایی از ابوزید سروچی و با نگاهی روان‌شناسانه، بسیاری از ابعاد جامعه‌ی بصره - همچون شخصیت‌های اجتماعی معروف، رواج فساد و ریاکاری، ترسیم دورنمای شهرها و شرح آداب و رسوم مردم در عصر عباسی - را به تصویر بکشد.

ارزش ادبی والای اثر حریری، باعث شده است نقاشان زیادی، هنر خود را به پای آن بریزند و به همین جهت است که نسخه‌هایی متعدد از مینیاتورهایی که به ترسیم صحنه‌های مقامات پرداخته‌اند، وجود دارد. از جمله آنها، نگاره‌های واسطی است که توانسته، جلوه‌های خاص اثر حریری را به تصویر بکشد. اهمّیت این ویژه‌نگارها در این است که ما را به سبک زندگی جامعه عرب آن روزگار، آشنا می‌سازد. این شناخت، حوزه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که در زیر به بررسی آنها می‌پردازیم:

- شناخت جامعه و روابط انسانی:

شخصیت‌های مقامات حریری در موقعیت‌های متنوعی ترسیم شده‌اند. این نگاره‌ها، تصاویری واقع‌گرایانه از صحنه‌های زندگی روزمره مردمان آن زمان را در اختیار ما قرار داده و از این حیث، ارزش فراوانی دارند.

- شناخت طبقات اجتماعی:

شخصیت‌های حاضر در نگاره‌ها، موقعیت اجتماعی خاصی دارند. قاضی دادگاه، امام جماعت، والی، طبیب، ناخدا، غلام و گدا هر یک به طبقه‌ی اجتماعی

خاصی تعلق دارند و نوع پوشش، رفتار و طرز نشستن آنها متفاوت از دیگری است.
- شناخت محیط و جغرافیا:

قهرمانان مقامات حریری از شهری به شهر دیگر سفر می‌کنند و داستان، هربار در جغرافیای خاصی روی می‌دهد. این محیط‌ها مطابق با واقعیات زمان، ترسیم شده‌اند و اطلاعات مفیدی را پیرامون روابط حاکم بر آنها و ویژگی‌های معماریشان به ما می‌دهند.

- شناخت ابزار و وسایل:

در بسیاری از نگاره‌ها بنا به ضرورت، ابزار و وسایل مورد استفاده در آن دوره ترسیم شده‌اند. از یک کشتی بزرگ با جزئیاتش گرفته تا تیغ‌ها و نشترهای حجامت، منبر مسجد، ظروف متنوع، قندیل‌های آویخته به سقف و سازهای موسیقی، همه و همه در این تصاویر به چشم می‌خورند.

قهرمانان مقامات؛ واقعیّت یا تخیل؛

حریری، (حارث) بن همّام را راوی قرار داده است؛ اسمی که به اتفاق نظر اکثر دانشمندان اسمی خیالی و ساختگی است. ابن خلیکان می‌گوید: منظور حریری از حارث بن همّام، خودش است و او در این نامگذاری به فرموده رسول خدا (ص): «كُلُّكُمْ خَارِثٌ وَكُلُّكُمْ هَمَّامٌ» نظر داشته است. حارث، یعنی کاسب و همّام، یعنی بسیار همّت داشتن در کارها و همه یا حارثند و یا همّام. (العیاشی، ۱۸۳۷)

اما قهرمانان داستان‌ها «ابوزید سروجی» است. و او گدایی است که سعی دارد با سخنانی زیبا و گفتاری جادوگر، توجه مردم را برای پول گرفتن از آنها جلب نماید. روایت‌ها پیرامون ابوزید، مختلف است؛ برخی آن را اسمی خیالی و ساخته ذهن حریری و برخی دیگر، او را شخصی حقیقی دانسته‌اند. اما درست آنست که بگوییم: این شخص، ساخته ذهن حریری است تا بدین وسیله حیل‌های یک ادیب گدا را بیان نماید. این همان کاریست که بدیع‌الزمان همدانی در رابطه با ابوالفتح

اسکندری، قهرمان مقاماتش انجام داده است.

مقامات حریری؛ قصه یا تفنن؟

مقامات حریری توانسته است با پرورش مضامین و بازی با واژگان و نظم بخشیدن به داستان‌ها، اثری خواندنی به ادب‌دوستان ارائه نماید. حریری سعی نموده است اثرش ترکیبی از قصه‌پردازی و محقق ساختن غایت بیانی و بلاغی باشد و گویی او بر آن بوده است تا اثری بیافریند که هم به لحاظ داستانی و هم از جهت الفاظ، جذاب باشد. البته صنایع بیانی بر قصه و حکایت، غالب است. اما چیره‌دستی و قدرت نادر حریری در ترکیب آن دو، باعث جذابیت بیشتر این اثر شده است. گویی تمام فرهنگ لغت‌های عربی را پیش وی گذاشته‌اند و او دشوارترین و زیباترین کلمات را انتخاب کرده و به شیوه‌ای مستحکم کنار یکدیگر چیده است. بی‌شک این مهارت والای حریری در تلفیق و دشواری کلمات، باعث شده است که اثر وی هرچند به لحاظ جناس در سطح اثر همدانی باشد، اما از حیث لغت بر آن پیش افتد.

حریری در مقاماتش به سجع و صنایع بدیعی اکتفا نمی‌کند، و ابداعات شگفت‌انگیز دیگری نیز به آنها افزوده که با مهارت بالایی، آنها را نگاشته است. چنانکه در مقامه ششم با عنوان «المراغیة» رساله‌ای بدیعی آورده که کلماتش به ترتیب، منقوط و بار دیگر بدون نقطه است. «العطاء یُتجی، والمِطال یُشجی، والدُّعاء یقی، والمدح یُنقی، والحرُّ یجزی...» (حریری، مقامات، ۲۵) اما شگفت‌تر آن که در مقامه «الرقطاء» عبارت‌هایی را ذکر کرده که حروف کلمات آن به ترتیب، منقَط و بار دیگر بدون نقطه آمده است: «و نائِل یُدئیهِ فاض. وشُع قَلبِهِ غاض، و خِلف سَخائِهِ یُحْتَلَب...» (همان، ۲۱۱) و در مقامه هشتم نیز ابوزید خطبه‌ای می‌خواند که تمام کلماتش بدون نقطه‌اند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ، الْمَمْدُوحِ الْأَسْمَاءِ... أَدْرَكَ كُلَّ سِرِّ عِلْمِهِ وَ وَسِعَ كُلَّ مُصِرِّ جِلْمِهِ وَ عَمَّ كُلَّ عَالِمٍ طَوْلُهُ وَ هَدَى كُلَّ مَارِدٍ حَوْلَهُ...» (همان، ۲۲۳)

نویسنده در پنجاه مقامه خود، صحنه‌هایی را که قهرمان داستان با آن مواجه شده است گاهی با اسلوبی فکاهی و گاهی جدی به تصویر می‌کشد. اما تکلف زیاد و میل وافر او به استفاده از صناعات لفظی، در عین ایجاد اعجاب و شگفتی، مقداری از زیبایی آن کاسته است؛ به عنوان مثال، او گاه ابیاتی می‌آورد که می‌توان آنها را از هر دو طرف خواند؛

أَسْ أَرْمَلًا إِذَا عَرَا وَ أَرَعَ إِذَا الْمَرَّةَ أَسَا
أَسْلَ جَنَابَ غَاشِمٍ مَشَاغِبَ إِنْ جَلَسَا

(همان، ۱۲۸)

و در مقامه‌ی ۱۷ «المقامة القهقرية» جملاتی ساخته است که همچنان که از راست به چپ خوانده می‌شود، از چپ به راست نیز می‌توان خواند؛ «الإنسانُ ضَيْعَةُ الْإِحْسَانِ»، که می‌توان خواند: «الْإِحْسَانُ ضَيْعَةُ الْإِنْسَانِ». (همان، ۱۳۴)

در خلال مقامه «المغربية» نمونه‌هایی به نظم و نثر از صنعت طرد و عکس، وجود دارد؛ مثل «كَبِيرٌ رَجَاءٌ أَجْرٌ رَيْكٌ». (همان، ۱۲۶) انواع جناس‌ها در بیشتر مقامه‌ها به کار رفته است. و در بعضی مقامه‌ها لغزهای علمی وجود دارد. چنانکه در مقامه القطیعة، مسایل نحوی و در مقامه الفرضیة، مشکلات علم فرائض (ارث) و در مقامه الطبیعة، صد مسأله فقهی با پاسخ آنها در ضمن کلماتی غریب آمده است.

حریری از این شگفت‌ترین نیز آفریده است؛ او ابیاتی سروده است که می‌توان هر بیت را چهار قسمت نمود. آنگاه چون پایان سه نیمه‌ی اول هر بیت، قافیه یکسانی دارد، می‌توان از آن سه، دو مصراع مساوی سرود؛ (همان، ۱۷۶)

دَاؤُ مَتَى أَضْحَكْتُ فِي يَوْمِهَا أُنِكْتُ غَدًا بَعْدَ لَهَا مِنْ دَارِ
غَارَاتِهَا مَا تَنْقِضِي وَ أَسِيرُهَا لَا يُفْتَدِي بِجَلَائِلِ الْأَخْطَارِ

که می‌توان این ابیات را این گونه نیز خواند:

دَاؤُ مَتَى أَضْحَكْتُ فِي يَوْمِهَا أُنِكْتُ غَدًا
غَارَاتِهَا مَا تَنْقِضِي وَ أَسِيرُهَا لَا يُفْتَدِي

ذکر این نکته نیز لازم است که حریری تمام مقامه‌های خود را صرفاً به مسایل از این دست، اختصاص نداده بلکه به موضوعات دیگری چون مباحث علمی و مفید نیز پرداخته است.

فی الجمله، از مطالب فوق‌الذکر، نتیجه می‌شود که اثر حریری ترکیبی از هنر و تفنّن است.

اولین مقامه‌نگار و سابقه مقامه‌نویسی؛

تمام اقوام و ملیت‌ها قصه‌ها و افسانه‌های بلند و کوتاهی دارند که گذشتگان‌شان، شب‌های طولانی و سرد زمستان یا شب‌های تابستانی و مهتابی خود را با آن سپری می‌کرده‌اند. این شیوه در تمام قرون از جمله، قرن چهارم نیز مرسوم بوده است. هرچند قصه‌های عرب در قرون اولیه، همچون موسیقی‌شان ساده و خالی از تکلف بود، اما در قرن چهارم به خاطر گرایش به استان‌های کوتاهی که مملو از صنایع ادبی باشد، فنی پدید آمد که مقامات، نامیده شد.

تعدادی از مورخان ادبی (المحلی، ۲۱۶۹؛ ابن‌معمور، ۱۵۹۱؛ ابن‌خلکان، ۱۸۲ و ۲۰۱) عقیده دارند که - با توجه به اینکه حریری، همدانی را متقدم دانسته و از طرفی اصطلاح مقامات، برای اولین بار، توسط او بر این سبک از نگارش نثری اطلاق شده است - وی اولین کسی بود که در قرن چهارم فن مقامه‌نویسی را ابداع نمود. اما برخی نیز بر این باورند که فن مقامات در دوره‌های قبل از همدانی نیز وجود داشته است لکن او آن را به شکل جامع در آورد و اسم مقامات را بر آن نهاد و کسانی که بعداً آمدند، مقامات را به همان معنایی که او وضع نمود، شناختند. (مبارک، ۱/۱۹۸)

پس از همدانی، نویسندگانی چون سیوطی، ابن‌جوزی و قلقشندی نیز مقاماتی بر سبک و سیاقش نوشتند با این تفاوت که هر کدام به موضوعاتی پرداختند که مطابق با فرهنگ و واژگان و نیاز عصر خویش بود. اما آن که مقاماتش از بین مقلدان، درخور توجه است، کسی جز حریری نیست که ۴۸ سال بعد از همدانی، اثری

همسنگ کتاب وی - که در معنی و لفظ و هنری نظیر است - نگاشت. اثر حریری بسیار مقبول افتاد و از این پس، رفته رفته، نام حریری، جایگزین نام همدانی شد. در مورد اینکه کدامیک برترند باید گفت: هر دو سهمی والا در پیدایش و رواج فن مقامات دارند، اما همدانی از آن جهت که به این سبک، استقلال داد و نگارش آن را رایج ساخت و حریری از آن جهت که به آن، انسجام و سامان داد، جایگاه ویژه خود را دارند.

متأثران از اثر حریری و ادامه سیر مقامه نویسی؛

از آنجا که مقامه نویسی یکی از فنون نگارشی در ادبیات اسلامی است و منحصر به قومی خاص نیست، دانشمندان اکثر بلاد مسلمان چون اندلس، مصر، شام، عراق، حجاز، یمن، مغرب و ایران از سبک آن، تأثیر پذیرفته و آثاری از خود بر جای گذاشته اند.

سرقسطی تنها مؤلفی است که از تمام فنون حریری تقلید نمود؛ او پنجاه مقامه «المقامات اللزومیة» خود را با موضوع قصه گدایان و نیرنگ و با دو قهرمان خیالی، یعنی راوی و گدا، بر سبک و سیاق حریری نوشت. کتاب او چه به لحاظ مضمون داستان‌ها و چه به لحاظ اسلوب، بر منوال مقامات حریری نوشته شده است.

(<http://webs.ono.com/ignacioferrando/mda02.htm>)

پس از سرقسطی، جارا لله محمود بن عمر زمخشری (فر: ۵۳۸) نیز ۱۰۰ مقامه پیرامون وعظ، و خطاب به خودش نوشت. در دوران بعد از حریری، مقامه نویسان، تلاش نمودند موضوعات مورد نظر خود را در قالب مقامات بریزند. چنانکه در قرن هشتم این سبک در زمینه مسایل مذهبی و صوفیانه و بعد از آن در مباحث علمی و مدح و مناظره به کار رفت. سیر مقامه نگاری، قرن نهم را نیز در ربود. هر چند حجم مقامه نویسی در این قرن، کمتر از قرن هشتم بود، اما به لحاظ موضوع، تفاوت چندانی نکرد. چرا که در این عصر نیز به موضوعاتی چون مذهب، علم و مسایل

جاری پرداخته شد. در قرون یازده و دوازده و در عصر رکود ادبی نیز این فن در موضوعات روزمره و ادبی و فکاهی استفاده شد.

در دوره‌ی معاصر نیز ادیبانی وجود داشتند که مهارت خود را در این فن آزمودند. بهتر از همه، ناصیف یازجی (۱۹۲۴-۱۸۳۸ م) نویسنده مسیحی و ماهر لبنانی است که ۶۰ مقامه پدید آورد و خود شرحی بر آن نوشت.

همچنین نویسنده‌ای دیگر به نام محمد مویلحی (۱۹۳۰-۱۸۶۸ م) داستان‌هایی مسجع با تقلید از اسلوب همدانی و با موضوع نقد مسایل اجتماعی نوشت. (شیخو، ۸۷۵)

و «مستشرقان نیز خیلی زود به اهمیت مقامات، واقف شدند و بدان توجه و آن را به زبان‌های مختلف ترجمه کردند. مستشرق هلندی «جولیوس» در سال ۱۶۵۶ م. مقامه اول را به زبان لاتین ترجمه کرد و در فرانسه، مستشرق «کوسان دی برسفال» تمام مقامات را سال ۱۹۱۸ م. به زبان عربی منتشر نمود. همچنین استاد «دی ساسی» نسخه‌های خطی مقامات و شروح آنها را جمع‌آوری و متن اصلی را به همراه شرح عربی سال ۱۸۲۲ م. در پاریس چاپ کرد. به غیر از اینها، مستشرق «رکرت» مقامات را به آلمانی ترجمه کرد و اثرش در دنیای استشرق از شهرت زیادی برخوردار شد. این ترجمه در سال ۱۸۶۷ م. به انگلیسی نیز ترجمه شد.»

نخستین مقامه حریری؛

در مورد این که حریری کدام مقامه را نخست نوشت، اختلاف نظر است. معتقدان به نخستین بودن مقامه حرامیه (حریری، مقامات، ۴۱۰)، به سخن خود حریری استناد می‌کنند: «فَأَنْشَأْتُ الْمَقَامَةَ الْحَرَامِيَّةَ ثُمَّ بَيَّيْتُ عَلَيْهَا سَائِرَ الْمَقَامَاتِ وَكَانَتْ أَوَّلَ شَيْءٍ صَنَعْتُهُ» (حمیری، ۳۹۳۵) و اما مقامه صنعانیه (حریری، مقامات، ۷) بدان جهت، نخستین مقامه شمرده شده است که اولین مقامه‌ایست که در کتب مقامات، ذکر شده است و آن داستانی است که جریان آشنایی ابوزید و حارث بن همّام را ذکر

می‌کند.

زمان و مکان نگارش مقامات؛

کتاب مقامات حریری، مشتمل بر پنجاه مقامه است که بین سال‌های (۵۰۴-۴۹۵ق.م) به زبان عربی نوشته شده‌اند.

اما درباره مکان نگارش مقامات، اختلاف نظر است؛ برخی گفته‌اند: وی چهل مقامه را در بصره نوشت و آنها را به بغداد برد و بر ادبای آنجا عرضه کرد و پسند همگان افتاد. (باتوت، ۳۹۳۶) و نظر دیگر، اینست که برخی از روی حسد، آن را جعلی شمردند و از او خواستند که مقامه‌ای در حضور آنان بنویسد. حریری در ایام اقامتش در بغداد هرچه کوشید، نتوانست بگونه آن ۴۰ مقامه، چیزی بنویسد. اما پس از بازگشت به بصره، ده مقامه دیگر نوشت و بدین‌گونه، شمار مقامه‌ها به پنجاه رسید. (بامی، ۲۳۵۴) ولی به نظر می‌رسد این قصه‌ای بیش نباشد و ساخت و سیاق پنجاه مقامه و ربط و پیوندشان، نشان می‌دهد که ده مقامه آخرین، الحاقی نیست و همه، طرح و اسلوبی یکسان دارند.

به طور مسلم، کتابت بیشتر مقامه‌ها در سرزمین‌های دور و در غربت اتفاق افتاده است، چراکه اسامی مختلف مقامه‌ها - که به اسم شهرهای مختلف نامگذاری شده است - نشان می‌دهد حریری آنها را در آنجا نوشته است.

وجه تسمیه مقامه‌ها؛

اکنون که به برخی از اسامی مقامه‌ها اشاره‌ای داشتیم، این سؤال به ذهن، متبادر می‌شود که وجه تسمیه مقامه‌ها چیست؟ به عبارت دیگر، معیار حریری در انتخاب نام داستان‌هایش چه بوده است؟

انتخاب اسامی مقامه‌ها اصولاً براساس موضوع یا مکان یا شخصی که داستان را نقل نموده، صورت گرفته است؛ مثلاً، مقامه‌های البصریه، الشیرازیه، التبریزیه،

السمرقندية، المروية، العمانية، التفلسية، و حلیبة براساس مکان نامگذاری شده‌اند، ولی مقامه‌های الدیناریة، الفرضیة، القهقریة، الفاروقیة، الشعریة، الرقطاء، الوبریة، البکریة، الشتیویة، الساسانیة براساس معیارهای دیگری، نام گرفته‌اند.

خلاصه‌ای از مقامات

مقامات با دیدار روای داستان‌ها یعنی حارث بن همام با ابوزید سروجی در صنعاء و معارفه آنها با یکدیگر آغاز می‌گردد. هر دوی آنها در آغاز جوانی و بهار عمر هستند. حارث، ابوزید را در حال سخنرانی و بند و اندرز مردم می‌بیند، اما وقتی او را دنبال می‌کند متوجه می‌شود که وی دروغگوی نیرنگبازی بیش نیست و با این حادثه است که حریری، مقامه اول خود را می‌نگارد و نام آن را صنعانیه می‌گذارد. از این پس، حارث در ادامه سفر خود، بارها ابوزید را در جاهای مختلف به همراه همسر، فرزند و یازنی گدا می‌بیند؛ در مبادین قضاوت و داوری، در مجلس حاکمان و نشست‌های ادبا و گاه با لباس کهنه و در قیافه یک پیرزن گدا و گاه در کسوت واعظان و زمانی، راوی داستان‌ها، یعنی حارث، به صحنه می‌آید که مکاری و نیرنگبازی ابوزید، کارگر افتاده و درصدد چیدن محصول دسترنج خود است. البته قهرمان، آنقدر در کار خود تبخّر دارد که شخصی چون حارث در آغاز، او را به جا نمی‌آورد و پس از تعمق نظر و با کنار زدن لباس‌های مبدل، او را می‌شناسد.

مقامه ۴۹ (المقامة الساسانية) تصویری از اواخر عمر ابوزید و وصایای او به فرزندش است که جز تکدی، پیشه‌ای نگزیند و شیوه‌های او را بیاموزد. و آخرین دیدار آن دو - در حالی که هر دو کهنسال و سالخورده شده‌اند - در مسجد بصره اتفاق می‌افتد. در این هنگام است که ابوزید در میان انبوه مردم، توبه و ندامت خود را نسبت به گناهانش اعلام می‌نماید. آنگاه همگان را ترک می‌گوید و قصد بازگشت به شهرش، سروج، و پرداختن به نماز و عبادت دارد. خلوت می‌گزیند و روزگار را فائمه‌اللیل و صائم‌النهار به زهد و عبادت می‌گذارند. حارث، راجع به زهد

ابوزید، مطالبی می شنود و آنگاه که خود به سروج می رود، او را می یابد که به هیأت صوفی زاهدی درآمده و از خلق دوری گزیده و به حق پناه برده است و روزها و شب‌ها را به نماز، نیاز و ذکر و دعا به سر می برد. ابوزید چنان از کرده خود پشیمان است که زار گریستن او در مناجات سحرگاهی، حارث را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

حارث هم پس از بازگشت از سروج، سفر را به کناری می گذارد و قصد استراحت دارد و مقامات و پنجاهمین مقامه آن که شرح آخرین دیدار آنهاست، بدین گونه خاتمه می یابد.

رسایل و تألیفات حریری؛

حریری که تنها به مقاماتش شناخته می شود، رسایل ادبی دیگری نیز داشته است که به همراه دیگر میراث بزرگ عربی نابود شدند. ولی برخی از کتاب‌های قدیمی، تعدادی از رسایل او را حفظ کرده‌اند. عماد اصفهانی در «خریده القصر و جریده العصر» (عماد اصفهانی، ۱۳۲۵) دو رساله مشهور منثور و منظوم حریری را ذکر کرده است. یکی از آن دو، از آن رو که تمام کلماتش بدون حرف سین هستند به «سینیه» و دیگری به «سینیه» معروف است. به غیر از مقامات و رسایل، کتاب‌های زیر نیز از حریری است:

۱- کتاب «درة الفواص فی أوهام الخواص» که در آن برخی از کلماتی که در غیر معنای حقیقی خود و نابجا استفاده شده‌اند و غلط املائی دارند، تبیین شده است.

این اثر، سال (۱۲۷۲ ه.ق. = ۱۸۵۵ م.) در مصر چاپ شده. (حریری، درة الفواص، ۳)

۲- کتاب «ملحة الاعراب فی صناعة الاعراب»، که قصیده‌ای در بحر رجز و پیرامون نحو است و در پاریس و بیروت و قاهره چاپ شده است.

۳- کتاب «صدور زمان القبور و قبور زمان الصدور» که تاریخی زیبا است. (الیافی،

نتیجه:

حریری یکی از بزرگانی است که سهم والایی در غنی سازی ادبیات عرب دارد. او که تا حدی در مجامع علمی، گمنام مانده است، تلاش کرد تا قدرت و انعطاف پذیری زبان عربی را آشکار سازد و با نگارش آثار خود به حفظ واژگان عربی و شکوفایی بلاغت و انشانگاری و درست نوشتن کمک نماید. مقامات او نیز نمونه یک اثر بکر و زیباست که گذشته از ارزش ادبی والا، به لحاظ اجتماعی و تاریخی و فرهنگی، حائز اهمیت است و از جهات مختلف از جمله صرفی، نحوی، بلاغی و لغوی، قابل بررسی است.

منابع:

- ۱- ابن خلکان، وفيات الاعیان، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۲- ابن معصوم، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بكل مصر، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۴- اصفهانی، عماد، خريدة القصر و جريدة العصر، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۵- الشريشي، ابوالعباس، شرح مقامات الحریری، جزء الاول، تحقيق ابوالفضل ابراهيم، المكتبة المصرية، بيروت، ۱۹۹۸ م.
- ۶- العباسی، عبدالرحيم، معاهد التنصيص على شواهد التخليص، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۷- المحبى، نفحة الريحانة و رشحة طلاء الحانة، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۸- اليافعى، مرآة الجنان و عبرة اليقظان، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۹- بهار، محمدتقى (ملك الشعراء)، سبك شناسی، چاپخانه خودكار، چاپ طهران.
- ۱۰- بيهقى، ابراهيم، المحاسن و المساوى، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۱۱- حریری، ابوالقاسم، درة القواصم فى أوهام الخواص، مطبعة الجوائب، الطبعة الاولى، قسطنطينية، ۱۲۹۹ هـ ق.
- ۱۲- حریری، ابوالقاسم، مقامات الحریری، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۱۳- حموى، ياقوت، معجم الادباء، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
- ۱۴- سويدى، محمداحمد، نرم افزار الموسوعة الشعرية. ابوظبى، ۲۰۰۳ م.

- ١٥- شيخو، لويس، تاريخ الاداب العربية، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
١٦- فراهيدى، العين، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
١٧- فيروزآبادى، قاموس المحيط، نرم افزار الموسوعة الشعرية.
١٨- لويس، معلوف، المنجد فى الاعلام، مطبعة الكاثوليكية، چاپ ١٢، ١٩٨٢م.
١٩- مبارك، زكى، النشر الفنى فى القرن الرابع، ج ١، دارالكتب المصرية، قاهره، الطبعة الاولى، ١٩٣٤م.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی